



آشکارت و نگاه آویان مذهب

معاونت پژوهش

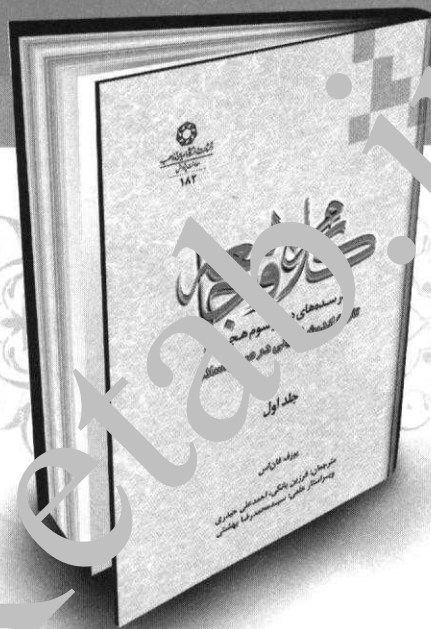
کلام و جامع

در سده‌های دوم و سوم هجری
تاریخ اندیشه دینی در صدر اسلام

جلد اول

یوزف فان اس

مترجمان: فرزین بانکی، احمد علی حیدری
ویراستار علمی: سید محمد رضا بهشتی



- سروشاسه
عنوان و نام پدیدآور
اس، یوزف فان، ۱۹۳۴-م. Ess, Josef van.
کلام و جامعه: در سده دوم و سوم هجری تاریخ اندیشه دینی در صدر اسلام/ مکتب یوزف فان اس، مترجمان فرزین بانکی، احمدعلی حیدری؛ ویراستار علمی سید محمدرضا بهشتی.
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شایک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کتکوه
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶.
جلد اول؛ ۷۲۰ ص.
(انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۱۸۲).
ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰-۷۰-۷؛ دوره: ۴-۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰-۷۱-۴
فیا.
عنوان اصلی: Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra Volume 1.
کتابنامه.
کلام، تاریخ، قرن ۱-۳ ق.
متکلمان.
بانکی، فرزین، ۱۳۳۱-، مترجم.
حیدری، احمدعلی، ۱۳۴۲-، مترجم.
بهشتی، سید محمدرضا، ۱۳۳۷-، ویراستار علمی.
دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۳۹۶ ۵۸ الف/۸/BP۲۰۰۰
۲۹۷/۴۹
۴۹۷۹۸۳۲



اشارات
دانشگاه ادیان و مذاهب

۱۳۹۷

کلام و جامعه در سدهٔ دوم و سوم هجری (ج ۱ و ۲)
تاریخ اندیشهٔ دینی در صدر اسلام

- مؤلف: یوزف فان اس
- مترجمان: فرزین بانکی، احمدعلی حیدری (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)
- ویراستار علمی: سید محمدرضا بهشتی (دانشیار دانشگاه تهران)
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰
- چاپ: نگارش
- قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان
- شابک: جلد اول ۷-۷۰-۶۷۳۰-۶۰۰-۹۷۸؛ دوره: ۴-۷۱-۶۷۳۰-۶۰۰-۹۷۸
- حق چاپ و نشر محفوظ است.

• مراکز پخش:

قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳ - ۳۲۸۰۲۶۱۰، (۰۲۵) ۳۲۸۰۳۱۷۱

تلفکس مرکز پخش و فروش: (۰۲۵) ۳۲۸۰۶۶۵۲

www.adyanbook.ir

فروشگاه اینترنتی:

www.urd.ac.ir

www.adyanbook.ir

press@urd.ac.ir

فهرست مطالب

الف		سخن ناشر
ه		درآمد
س		مقدمه مؤلف بر ترجمه
ف		پیش گفتار
ذ		فهرست اختصارات و آوانگاری
۱		بخش الف؛ درآمد: خصوصیات بنیادین و سبک نگارش در سده اول هجری
۳		۱. ختم نبوت
۹		۲. اعتقاد به برگزیدگی و احراز هویت
۱۲		۱. ۲. نمادهای هویت اسلامی در دوران خلافت عبدالملک
۱۶		۲. ۲. نخستین شواهد در سنت منقول ادبی
۲۳		۳. جامعه و فرد
۲۷		۱. ۳. ایمان و وعده بهشت
۳۱		۲. ۳. وقوف به گناه و مسئولیت فردی
۳۲		۳. ۳. موهبت الهی و تقدیر
۳۵		۴. تحولات خاص دینی در اوایل سده دوم
۳۷		۱. ۴. چهره پیامبر
۴۲		۲. ۴. قرآن
۵۰		۵. اشاعه دین
۵۹		۱. ۵. ابزارهای ادبی اشاعه دین
۶۲		۱. ۱. ۵. پیدایش کلام جدلی

۷۴	۱. ۵. دورنما
۷۵	بخش ب؛ ولایات اسلامی در سدهٔ دوم هجری
۷۷	۰. ملاحظات مقدماتی در باب روش
۸۳	۱. ۱. سده به
۸۳	۱. ۱. خصوصیات بنیادین کلی
۸۹	۱. ۱. رابطه با شیعه
۹۱	۱. ۲. قدریان
۹۱	۱. ۲. ۱. پیش از - ستگاه قدریان
۹۳	۱. ۲. ۲. غیله شقی - سورهٔ پیرامون او
۱۰۳	۱. ۲. ۳. تأثیرات سی غیلان
۱۰۸	۱. ۲. ۴. شورش یزید سرم
۱۱۲	۱. ۲. ۴. ۱. خطبهٔ خلافت یزید سوم
۱۱۶	۱. ۲. ۴. ۲. تحولات بعدی تا مرگ یزید سوم
۱۱۹	۱. ۲. ۵. قدریان در دوران زمامداری یزید سوم
۱۱۹	۱. ۲. ۵. ۱. دمشق
۱۴۳	۱. ۲. ۵. ۲. قدریان فلسطین
۱۵۱	۱. ۲. ۵. ۳. قدریان حمص
۱۶۱	۱. ۲. ۶. قدریان متأخر
۱۶۹	۱. ۲. ۷. نتیجه‌گیری‌های کلی
۱۷۹	۱. ۲. ۸. تحولات بعدی آراء غیلان در عراق
۱۸۳	۱. ۲. ۸. ۱. رسائل غیلان و حکایت افسانه‌آمیز او
۱۸۶	۱. ۲. ۹. عمر دوم و قدریه
۱۸۸	۱. ۳. نمونه‌ای از زندقه
۱۸۸	۱. ۴. مرجئه سوریه
۱۹۲	۱. ۴. ۱. «جهمیان»
۱۹۴	۱. ۵. از زهد به عرفان
۲۰۵	۲. عراق
۲۰۵	۲. ۰. ملاحظات مقدماتی کلی

۲. ۱. ۲. کوفه ۲۰۷
۲. ۱. ۱. مرجئه ۲۰۹
۲. ۱. ۱. ۱. قدیمی‌ترین نمایندگان مرجئه در کوفه ۲۱۳
۲. ۱. ۱. ۲. هیأت اعزامی نزد عمر دوم ۲۲۴
۲. ۱. ۱. ۳. دو شعر مرجئی ۲۳۱
۲. ۱. ۱. ۴. ایرادها بر مرجئه در سیره سالم بن ذکوان ۲۳۹
۲. ۱. ۱. ۵. کتاب الإیحاء ۲۴۳
۲. ۱. ۱. ۶. طیاره مرجئه تا سال ۱۵۰ هجری ۲۴۹
۲. ۱. ۱. ۷. ملقه ابوحنیفه ۲۵۶
۲. ۱. ۱. ۷. ۱. پیشگامان ۲۵۷
۲. ۱. ۱. ۷. ۲. سیره زندگی و تأثیرات بعدی ابوحنیفه ۲۶۱
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. آراء علمی ابوحنیفه ۲۶۹
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. ۱. نامه به عثمان بن ۲۷۱
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. ۱. ۱. مقایسه با آثار دیگر حنبلان ۲۸۱
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. ۲. نامه دوم ابوحنیفه به عثمان بن ۲۸۷
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. ۳. متن موسوم به فقه اکبر (۱) ۲۹۱
۲. ۱. ۱. ۷. ۳. ۴. تصور از خدا. نظریه سیاسی ۲۹۷
۲. ۱. ۱. ۷. ۴. معاصران ابوحنیفه ۲۹۹
۲. ۱. ۱. ۸. مرجئه کوفه پس از ابوحنیفه ۳۰۳
۲. ۱. ۱. ۹. اصلاحات غسان بن أبان ۳۱۲
۲. ۱. ۲. جریان‌های ضد مرجئی در کوفه ۳۱۵
۲. ۱. ۲. ۱. سفیان ثوری ۳۱۵
۲. ۱. ۲. ۲. صوفیان ۳۲۲
۲. ۱. ۲. ۳. قدریان ۳۲۸
۲. ۱. ۳. شیعه ۳۳۴
۲. ۱. ۳. ۱. محدثان «متشیع» ۳۳۸
۲. ۱. ۳. ۲. زیدیه ۳۴۳
۲. ۱. ۳. ۲. ۱. بُتریه ۳۴۴

۳۶۴	 ۱. ۲. ۳. ۱. ۲. «ضعفاء» زیدیه
۳۶۷	 ۲. ۱. ۳. ۲. ۱. جارودیه
۳۷۸	 ۲. ۱. ۳. ۲. ۲. ۱. شکل گیری آراء جارودیه
۳۸۷	 ۲. ۱. ۳. ۲. ۲. ۲. تحولات بعدی
۳۸۹	 ۲. ۱. ۳. ۲. ۳. نخستین زیرشاخه‌های خُرد زیدیه
۳۹۱	 ۲. ۱. ۳. ۲. ۳. ۱. کاملیه
۳۹۵	 ۲. ۱. ۳. ۳. انضیان
۳۹۸	 ۲. ۱. ۲. ۳. ۱. قول به توقف و روح جمعی
۴۰۵	 ۱. ۲. ۳. ۲. امام و مقام رهبری دارای علم مطلق
۴۱۶	 ۱. ۳. ۳. ۱. رجعت
۴۱۹	 ۱. ۳. ۳. ۳. ۱. اندیشهٔ رجعت در میان زیدیان نخستین
۴۲۴	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۳. ۲. قائلان به رجعت در میان چهره‌های شیعه در سدهٔ اول هجری
۴۳۶	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۳. ۳. نخستین تفاسیر به عنوان محصل‌های ممکن برای قول به رجعت
۴۴۵	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۳. ۴. انقراض کیسانیه
۴۴۹	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۳. ۵. دگرگونی اندیشهٔ رجعت در اندیشه
۴۵۲	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۴. رفض دو خلیفهٔ نخست
۴۵۸	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۵. تقیه
۴۶۲	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۶. بداء
۴۶۴	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. مکاتب کلامی رافضی
۴۶۷	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۱. سرآغازها
۴۶۸	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۱. ۱. گروه‌های طرفدار مرجئه
۴۷۲	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۱. ۲. زُراره بن أعین و حلقهٔ او
۴۸۶	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۱. ۳. بحث بر سر تصور خدا
۴۸۷	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۲. یک نسل بعد
۴۹۴	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۲. ۱. شیطان الطّاق و هشام جوالبقی
۵۱۴	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۲. ۲. هشام بن حکم
۵۲۴	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۲. ۲. ۱. «هستی‌شناسی»
۵۲۸	 ۲. ۱. ۳. ۳. ۷. ۲. ۲. ۲. مفهوم خدا

- ۵۳۷..... ۳.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. مسائل در علوم طبیعی
- ۵۳۹..... ۴.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. نظریه هشام در باب ادراک حسی
- ۵۴۵..... ۵.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. فعل انسانی
- ۵۵۰..... ۶.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. صفات خدا
- ۵۵۵..... ۷.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. قرآن و نبوت
- ۵۵۷..... ۸.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. عصمت و نصّ
- ۵۶۰..... ۱.۸.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. استدراک: اسباب مشروعیت در میان شیعه
- ۵۶۴..... ۹.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. رجعت
- ۵۶۵..... ۳.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. علی بن رئاب
- ۵۶۷..... ۳.۷.۲.۲.۷.۳.۳.۱.۲. انشینان متکلمان بزرگ
- ۵۶۸..... ۱.۳.۷.۳.۳.۱.۲. حنب هشام جوالیقی
- ۵۷۳..... ۲.۳.۷.۳.۳.۱.۲. مکرّب هشام بن حکم
- ۵۸۳..... ۳.۳.۷.۳.۳.۱.۲. چشم انداز
- ۵۸۵..... ۸.۳.۳.۱.۲. نتیجه گیری های کلی
- ۵۸۸..... ۱.۸.۳.۳.۱.۲. کلام رافضیان و سوسه تأثیرات رواقی و یهودی
- ۵۹۹..... ۴.۲.۱.۲. خوارج
- ۶۰۲..... ۱.۴.۱.۲. جماعت اباضیه در کوفه
- ۶۱۵..... ۲.۴.۱.۲. عیسی بن عُمیر
- ۶۱۷..... ۵.۲.۱.۲. زندیقان
- ۶۱۸..... ۱.۵.۱.۲. مفهوم زندیق
- ۶۲۱..... ۲.۵.۱.۲. آیین مانوی در صدر اسلام
- ۶۲۹..... ۳.۵.۱.۲. زندقه به مثابه پدیده های اجتماعی و دینی
- ۶۳۲..... ۴.۵.۱.۲. دبصانیه
- ۶۳۵..... ۵.۵.۱.۲. مرقیونیان
- ۶۴۳..... ۶.۵.۱.۲. کنشانیان
- ۶۴۵..... ۷.۵.۱.۲. استدراک: مزدکیان در عالم اسلام
- ۶۴۷..... ۸.۵.۱.۲. زندقه در کوفه
- ۶۴۷..... ۱.۸.۵.۱.۲. کیهان شناسی و فلسفه طبیعت

۶۵۸ ۲. ۸. ۵. ۱. ۲. جماعت ظرفاء

۶۶۹ ۳. ۸. ۵. ۱. ۲. رویارویی با زنداقه براساس منابع امامیه

۶۷۴ ۴. ۸. ۵. ۱. ۲. نقش زنداقه در اواخر دوران بنی امیه

www.Ketab.ir

به نام خداوند جان و خرد

دانش کلام در تاریخ تحولات فکری- عقیدتی و سیاسی- اجتماعی جهان اسلام، به ویژه در سده‌های نخستین، انشی بسیار اثرگذار بوده است. این دانش، در شمار دانش‌های اصیل اسلامی است که متن اسلام، یعنی از متن کتاب و سنت و در بستر پدیده‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه گوناگون و نوپای اسلامی آن عصر آغازین برآمده و بالیده است. آموزه‌های اسلامی تمامی تنوع و فراوانی‌شان، از مبدأ تا معاد، از کیهان تا انسان، از دنیا تا آخرت و از نظر تا عمل در قرآن کریم سنت نبوی - که از نگاه شیعه، سنت امامان اهل بیت^(ع) ادامه آن است - مطرح گردیده است.

درست پس از رحلت رسول خدا^(ص)، به لحاظ ضرورت سیاسی و اجتماعی وجود پیشوا برای اداره جامعه، موضوع «امامت و خلافت» و لزوم انتخاب امام/خلیفه، مسأله اصلی و فوری جامعه شد. یکی از مسأله‌هایی که همواره به عنوان مهم‌ترین مسائل عقیدتی- سیاسی جهان اسلام، چنان به معرکه انظار و مواضع مختلف تبدیل گردید، مسأله همان دهه‌های نخست تاریخ اسلام، به مثابه کانونی اصلی برای شکل‌گیری جریان‌های مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی نقش‌آفرینی کرد. پس از آن و باز به اقتضاء روند تحولات سیاسی و اجتماعی، موضوعات کلامی بسیار مهم دیگری همچون توحید، کبر و ایقان، قضا و قدر، جبر و اختیار، امر به معروف و نهی از منکر و عدل الهی به سرعت در مرکز توجهات و نظرپردازی‌های مسلمانان صدر اسلام قرار گرفتند. از این رو، بر محاسن و گونه‌گون دربارۀ موضوعات اساسی یادشده جریان‌های کلامی و مکاتب کلامی مختلف پدید آمدند. بنابراین، اگرچه اصل شماری از مهم‌ترین موضوعات عقیدتی در کتاب و سنت مطرح شده بود، اما این اهمیت و الزامات سیاسی و اجتماعی آنها بود که زمان و چگونگی طرح آنها و جبهه‌گیری بر سر آنها را تعیین می‌کرد. بدین ترتیب، بسیار زود هنگام و در سپیده دم تاریخ اسلام، جریان‌های کلامی از خوارج تا مرجئه، از شیعه تا عثمانیه، از جبریه تا قدریه و از نص‌گرایان تا عقل‌گرایان پدید آمدند و از مدینه تا کوفه و از شام تا

بصره و از همه آنها تا بغداد، در یک تعاطی و تضارب گسترده، دانش کلام را پدید آوردند و بدان برگ و بار دادند. به هر حال، این دانش اسلامی از همان سده‌های نخستین، در کانون تحولات عقیدتی، سیاسی و اجتماعی واقع و به یکی از سرچشمه‌های اصلی نیروی پیش‌برنده تمدن اسلامی تبدیل شده و این گونه، دانش کلام با صدها متکلم و اثر کلامی بر حسته و ده‌ها مدرسه و مکتب کلامی عمده در چندین کانون جغرافیایی از حجاز تا مصر و از ایران تا عراق و شام پدید آمد.

تقسیم امت اسلامی - که آغازهای آن بلافاصله پس از رحلت رسول خدا (ص) آشکار شد - دو شاخه اصلی تشیع و تسنن، بر محور امامت، به عنوان موضوعی کلامی که از ابعاد سیاسی، اجتماعی، برخوردار بود، بسیاری از تحولات جامعه نوپای اسلامی را رقم زد. امیر مؤمنان امام علی (ع) و سایر امامان از فرزندان او، به عنوان اهل بیت رسول خدا (ص)، به مثابه سلسله جنبانان تحولات عقیدتی، سیاسی و اجتماعی ظاهر شد و تشیع، یکی از دو شاخه اصلی امت، بر محور پیش از روبروی آنان شکل گرفت: همزمان، راهبری دینی - فکری و سیاسی - اجتماعی. دامنه این راهبری از شیعیان تا دیگر جریان‌ها و مکاتب امتداد داشت، هر چند این شیعیان بودند که خود را یکسره وقف این پیشانی کرده و سنگ بنای کلام، فقه، حدیث و تفسیر خود را بر پایه هدایت و دانش‌های دینی و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خویش را بر راهنمایی‌های آنان استوار ساختند. بر این پایه، کلام اسلامی را در یک تقسیم کلی، می‌توان در دو شاخه شیعی و سنی، البته با همه تنوعی که ذیل هر کدام وجود دارد، طبقه‌بندی کرد.

استاد یوزف فان‌اس، کلام‌پژوه آلمانی معاصر، در تحقیق‌های اخیر که همچون شاهکاری در تتبع و پژوهش می‌نماید، تاریخ کلام را در این دوران آغازین، در چهار جلد اصلی به تصویر کشیده است. بررسی و تحقیق تاریخ تحولات فکری و اجتماعی آن دوران آغازین با توجه به گستردگی، گوناگونی و پرشماری آنها، خود به خود کار دشواری است تا چه رسد به آنکه دست محقق از غالب منابع و آثار دست اول بازه زمانی مورد نظر کوتاه و ناگزیر از تکیه بر منابع بعدی باشد که گزارش‌های معمولاً ناتمام و گاه نادقیقی در دوران ادای حق چنان تحقیقی، هوش و دانشی گسترده را همراه با عمری بررسی و اندیشه می‌طلبد. لازمه بازسازی اندیشه‌ها و تاریخ تحولات و یافتن ربط متقابل آن اندیشه‌ها و حوادث عینی جامعه و جستجوی کنش‌ها و واکنش‌ها و به‌چنگ آوردن حلقه‌های گمشده و شناسایی راهبران و سرشاخه‌های اندیشه‌ها و جریان‌های پیرو، پژوهشی است سترگ که استاد فان‌اس با وسواس علمی، به کارگیری روشی دقیق، تأملات بسیار و پرهیز از شتاب در استنباط و استنتاج به طرز عالمانه بدان توفیق یافته است. نتیجه این تحقیق و بررسی

عالمانه، ارائه تصویری است نسبتاً جامع و مشتمل بر جزئیات و تفصیل، از تحولات کلامی تاریخ نخستین اسلامی، برپایه اثرپذیری از جامعه و اثرگذاری بر آن. استاد فاناس آراء و اندیشه‌های یکایک متکلمان اثرگذار و جریان‌های فکری وابسته را، از قدریه تا جهمیه و از مرجئه تا اباضیه و از نص‌گرایان تا عقل‌گرایان و از شیعه تا سنی و از مسلمانان تا زنادقه، مورد بررسی‌های دقیق قرار داده است. بدین ترتیب، آنچه حاصل آمده، برای نخستین بار، بری است گران‌سنگ در تاریخ تکوین دانش کلام اسلامی که محقق توانمند آن، نسبت دانش کلام را با عینیت جامعه، واریسی و دیالکتیک کلام و جامعه را در آن به‌خوبی واکاوی کرده است. از این جهت، اثر حاضر اثری بدیع و ابتکاری و درخور توجه بسیار است و بی‌شک دیدگاه‌های تحقیقات تازه بسیاری تواند بود. درعین حال، این اثر گران‌سنگ، تهی از کاستی نبوده و به حکم آنکه فرآورده‌ای انسانی است، از لغزش در تحقیق، داوری و نتایج برکنار نیست. بجاست که محققان و دانشوران عرصه کلام و اندیشه اسلامی با تأملات و نکته‌سنجی‌های عالمانه و نگاه انتقادی به پیش‌برد تاریخ این دانش و به جبران کاستی‌های این اثر همت گماشته، موجب کمال غنای افرون‌تر آن گردند.

از نکات پیش گفته، خطبته و اهمیت ترجمه چنان اثر بزرگی از زبان اصلی به زبان دیگر آشکار می‌گردد. مشکلات به‌شمار ترجمه این اثر که پیش از این «به زبان عربی» انتشار یافته بود، نشان می‌داد که کار برگردان فارسی آن با چه دشواری‌هایی روبه‌روست و چه میزان از دانش و دقت، چه اندازه از آسایشی با هر دو زبان اصلی و مقصد و چه تراز از آگاهی به ادبیات موضوع را بایسته و ضروری می‌سازد. برپایه همین ضرورت، معاونت پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب، برگردان فارسی این اثر را «زبان اصلی، یعنی از زبان آلمانی، به استاد ارجمند، آقای دکتر سیدمحمد رضا بهشتی» سپرد. اینک که برگردان جلد نخست این اثر آماده انتشار گردیده است، چنین می‌نماید که این برگردان، با پاس داشتن حداکثر امانت و درستی، اثری تحسین‌برانگیز عرضه گردیده است. ناگفته نماند دشواری و فنی بودن اثر اصلی و در نتیجه، ضرورت دوچندان به کارگیری دقت علمی و رعایت امانت در ترجمه و بازبینی‌های مکرر آن، به تأخیر در اتمام و انتشار ترجمه انجامید. محافل علمی و خوانندگان مشتاق که زمان زیادی پیش از این، از آغاز به کار این برگردان، باخبر و در انتظار انتشار آن بودند، به جبران این انتظار طولانی، اینک با اثری روبه‌رو هستند که به طرزی عالی و ستودنی به فارسی برگردانده شده است و خرسندی آنان را از نتیجه کار فراهم تواند آورد؛ برگردانی که هم از امانت و درستی بهره دارد و هم روان و خوش‌خوان است؛ از تمام نشانه‌های ضبط دقیق نام‌ها و اعلام، برخوردار و همه تأکیدات و نشانه‌های مورد نظر مؤلف با دقت تمام در آن بازتاب یافته، شمارگان ترتیبی مطالب و

شمارهٔ برگ‌ها، همه، عینِ متن اصلی نگاه داشته شده است. اطمینان دارد که خوانندگان دانشور با مطالعهٔ این اثر، هم دربارهٔ اصل اثر و هم ترجمهٔ آن، تصدیق خواهند کرد که: «مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید». اکنون، برگردان جلد نخستِ اثر پیشاروی خوانندگان فهیم قرار دارد و امید می‌رود که به‌زودی دیگر مجلدات آن نیز انتشار یابد و در دسترس خوانندگان قرار گیرند.

در پایان، معاونت پژوهشی بر خود لازم می‌داند از سرویراستار علمیِ این برگردان، استاد دکتر سیدمحمد رضا بهشتی و مترجمان دانشور آن، آقایان دکتر فرزین بانکی و دکتر مدعل سیدی که دار اصلی برگردانِ این اثر به همت و کوشش آنان میسر گردید، از جناب حجت الاسلام والمسلمین نواب، ریاست محترم دانشگاه ادیان و مذاهب که به‌یمن اهتمام و پشتیبانیِ سرافراز او این طرح سترگ پیش رفت و به انجام رسید، از آقایان دکتر احمد رضا مفتاح، حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهروز حدادی و دکتر شهاب‌الدین وحیدی مهرجردی، معاونان پژوهش سابق دانشگاه ادیان و مذاهب که در پیشنهاد انجام این طرح و پی‌گیری‌های بعدی آن سهیم بودند، از جناب آقای حسین افروزان، مدیر امور پژوهشی که در همهٔ این مدت، عهده‌دار امریاری این طرح کلان بودند و از تمامی کسان دیگری که به هر نحو در به‌انجام رسیدن این اثر دانشگاهی کوشش نموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نماید.

محمد جاردان

قم، اردیبهشت ۱۳۷۶

معاون پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب

رآمد

الف) درباره کتاب

در طی ربع قرن، که از انتشار نخستین جلد مجموعه «کلام و جامعه در سده دوم و سوم هجری» اثر پروردگار نورفاناس می گذرد، این مجموعه شش جلدی به اثری مرجع در خصوص کلام اسلامی برای این دوره مبدل شده است. ویژگی این اثر که موجب متمایز شدن آن با کارهای پیشین شده، گذشته از تتبع بسیار گسترده و تحسین برانگیز پژوهشگر و نویسنده آن و تسلط فوق العاده ای که در استخراج منابع و نیز استناد به آنها داشته، شیوه نوینی است که از در رهافت با جهان موضوعات کلامی در پیش گرفته است.

فاناس در جلد اول، بخش الف، به ویژگی های بنیادین دیانت اسلامی در سده اول هجری می پردازد و طی آن، خصوصیات کلی این نحوه از بینداری را بیان می دارد. سپس، در بخش دوم در نخستین رویکرد، به تاریخ نگاری کلامی از اواخر سده اول تا نیمه های سده سوم می پردازد که بخش بزرگی از این مجموعه را دربرمی گیرد. شیوه نوینی که او در این رویکرد برمی گزیند، این است که نخست، تلاش می کند به جای نوشتن شرح حال جمعی پیروان یک نحله، با تکیه بر زندگی و آثار متکلمان، به آنجا که قدور است، به تفکیک، آراء آنان را مورد توجه قرار دهد و جایگاه آنان را در کلی یک نحله یا جریان فکری معلوم سازد.

نوآوری دومی که فاناس دارد، این است که با تقسیم عالم اسلامی به پنج حوزه جغرافیایی - فرهنگی (ولایات)، یعنی حوزه سوریه، عراق، ایران، شبه جزیره عربستان و مصر، وضعیت هریک از این نحله ها را در این حوزه ها به گونه ای مستقل و در نسبت با یکدیگر مورد کاوش قرار می دهد. این شیوه، موجب می شود که بسیاری از مناسبات میان نحله ها که به سبب نگاه کلی به آنها نادیده می ماند، اینک در پرتو این نحوه از پژوهش آشکار گردد.

سومین و مهم‌ترین ویژگی نگرش متمایز فاناس در این رویکرد تاریخی، پیوند آراء و اندیشه‌های کلامی با خاستگاه‌ها و تحولات اجتماعی است که در برگزیدن عنوان «کلام و جامعه» برای این اثر، بدان عنایت داشته است. توجه به شرایط اجتماعی هریک از این حوزه‌های جغرافیایی- فرهنگی و نیز زندگی متکلمان و شکل‌گیری نحله‌های کلامی، وجهه‌نظر جدیدی است که افق‌های کم‌شناخته‌شده‌تری را در مباحث دلام اسلامی می‌گشاید. او در شناسایی پیوند این خاستگاه‌ها و عوامل اجتماعی با اندیشه‌ها و مباحثات کلامی، گام‌های نخستینی را برداشته که یقیناً نیازمند واکاوی‌های فراوان دیگر است.

فاناس در رویکرد دوم خود، با پشت‌سرگذاشتن پژوهش تاریخی به جمع‌بندی و ارائهٔ نظام‌مند آراء و اندیشه‌های کلامی به‌حسب موضوع می‌پردازد و اینک با محور قراردادن موضوعات و مسائل کلامی آراء متکلمان و نحله‌های کلامی را در خصوص این موضوعات در پیوند با هم قرار می‌دهد. بنابراین، فاناس کوشیده است که اثرش، جامع میان رویکرد تاریخی و رویکرد موضوعی و نظام‌مند باشد.

گسترهٔ آموخته‌های فاناس در رشته‌های گوناگونی همچون فلسفه، کلام، تاریخ، زبان‌ها، هنر، علوم اجتماعی و علوم سیاسی منعکس شده است که او بتواند از مفاهیم بنیادین این رشته‌ها برای تبیین موضوعات کلامی بهره بگیرد. او از بسیاری از این رشته‌ها مفاهیم و اصطلاحاتی را به‌عاریت می‌گیرد. بن‌پشتوانهٔ علم فاناس که بیانگر فرهیختگی اوست، موجب می‌شود که حاصل پژوهش او از یک‌سری از عذائیت بالایی برخوردار و از سوی دیگر، پی‌گرفتن اثرش برای خوانندگان با دشواری ناپایده همراه باشد. از شیوهٔ کار او پیداست که فاناس نه تنها در رشته‌های گوناگون دستی دارد، بلکه می‌تواند از تحولات فکری پیروان ادیان سه‌گانهٔ ابراهیمی در پژوهش‌های دینی در باب هر یک از آنها بهره بگیرد. به‌علاوه، فاناس به‌عنوان استاد رشتهٔ زبان‌های سامی، توانایی بهره‌گیری از مطالعات گسترده در حیطهٔ فقه‌اللغه و زبان‌شناسی این زبان‌ها را دارد. آشنایی او به چند زبان اروپایی که واژه‌ها و اصطلاحات آنها را در متن به‌کار می‌گیرد، هرچند در پاره‌ای به او فهم خواننده را به‌چالش می‌گیرد، اما در مقابل، انعطاف‌پذیری بالایی را به نوشتهٔ او می‌دهد.

با توجه به ویژگی‌های پژوهشی و نگارشی پیش‌گفته دربارهٔ این اثر، طبیعی است که برگردان آن به زبان‌های دیگر کاری دشوار باشد و کوشش برای ترجمهٔ کتاب «کلام و جامعه» به زبان‌های دیگر با تأخیر فراوان و کندی صورت گرفت. به‌گونه‌ای که ترجمهٔ انگلیسی نخستین جلد آن که مورد بازبینی خود مؤلف نیز قرار گرفته، در سال

۲۰۱۷ به انجام رسیده است؛ با آنکه مشترکات میان دو زبان آلمانی و انگلیسی، مایهٔ سهولت بیشتر این برگردان بوده است. اقدام برای ترجمهٔ این اثر به زبان عربی برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۸ با انتشار جلد اول آن ذیل عنوان «علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث للهجرة»، از جانب خانم دکتر سالمه صالح (متولد ۱۹۴۲) صورت گرفت که ردهٔ موصل عراق و ساکن شهر برلین آلمان است. متأسفانه، این ترجمه که دارای سلاط و نارسى‌ها و بی‌دقتی‌های فراوانی است، نتوانست در میان خوانندگان اهل فن، بی‌باز کند و انتقادات زیادی را برانگیخت؛ به گونه‌ای که مایهٔ ناخرسندی مؤلف گردید. برگردان عربی دوم اثر در سال ۲۰۱۶ از جانب دکتر محی‌الدین جمال بدر و دکتر رضا حامد قطب صورت گرفت که هرچند به مراتب بهتر از برگردان جلد اول است، اما هنوز هم از دست لازم می‌بینیم و برگردان از زبان آلمانی و نیز کاربرد درست اصطلاحات برخوردار نیست. بر طی دورهٔ اخیر پیش از این نیز کوشش شد در ایران، این اثر به زبان فارسی برگردانده شود که هر بار به دلایلی ناکام ماند. برگردان حاضر، سومین کوششی است که در این زمینه صورت می‌گیرد و آلی آن، متن اصلی کتاب به فارسی برگردانده شده است.

(ب) دربارهٔ زندگی و آثار مؤلف

پروفسور یوزف فان‌اس متولد ۱۹۳۴ میلادی در شهر آخن آلمان، استاد بازنشستهٔ دانشگاه توینگن، از مدرسان و پژوهشگران نامدار در اسلام‌شناسی است او در سال ۱۹۵۹ در شهر بُن، دکترای خود را با نگارش رساله‌ای در عرصهٔ عرفان اسلامی، اخذ کرد و ۵ سال بعد در سال ۱۹۶۴ میلادی در شهر فرانکفورت، رسالهٔ استادی خود را با عنوان حقیقی دربارهٔ معرفت‌شناسی در حوزهٔ علوم اسلامی به پایان برد. فان‌اس در سال ۱۹۶۷، استاد مدعو دانشگاه لوس‌آنجلس کالیفرنیا و در سال ۱۹۶۸، استاد مدعو دانشگاه آمریکا، بروت شد. او در همین سال، جانشین رودی پارت (۱۹۸۳-۱۹۰۱)، زبان‌شناس و اسلام‌شناس استاد آلمانی در کرسی اسلام‌شناسی و زبان‌های سامی شد که ترجمه و شرح او از قرآن کریم به زبان آلمانی، تا به امروز از ترجمه‌های دقیق و علمی این کتاب آسمانی در زبان‌های اروپایی به‌شمار می‌رود.

پروفسور فان‌اس عضو آکادمی علوم هایدلبرگ، آکادمی ادبیات بارسلونا، آکادمی علوم عراق، انجمن فلسفهٔ ایران، آکادمی علوم تونس (بیت‌الحکمه)، آکادمی قرون‌وسطی آمریکا و آکادمی اروپا بود. او در سال ۲۰۰۹ جایزهٔ خدمات شایان پروس و در سال ۲۰۱۰ جایزه‌ای از کنگرهٔ جهانی مطالعات خاورمیانه و جایزهٔ صلیب بزرگ دولت فدرال آلمان را

دریافت کرده است. فاناس دارای تحقیقات و نوشته‌های متعددی در حوزه کلام اسلامی است. مهم‌ترین کتاب‌های او به زبان آلمانی عبارتند از:

- *Die Erkenntnislehre des 'Adudaddin al-Icī: Übersetzung und Kommentar des ersten Buches seiner Mawaqif*. Steiner, Wiesbaden 1966.
- *Traditionistische Polemik gegen 'Amr Ibn 'Ubad: Zu einem Text des 'Alī Ibn 'Umar ad-Dāraquṭnī*. Steiner, Beirut / Wiesbaden 1967.
- *Frühe mu'tazilitische Häresiographie: Zwei Werke des Nāṣī' al-Akbar (gest. 293 H.)*. Orient Institut, Beirut 1971.
- *Das Kitāb an-Nakl des Naẓẓām und seine Rezeption im Kitāb al-Faṣṣāḥ des Gā'iz: Eine Sammlung der Fragmente*. Vandenhoeck und Ruprecht, Göttingen 1972.
- *Zwischen Hadīṭ und Theologie: Studien zum Entstehen prädestinationaler Theologie*. De Gruyter, Berlin 1975.
- *Anfänge muslimischer Theologie: Zwei antiqadiri'sche Traktate aus dem ersten Jahrhundert der Hīġra*. Orient-Institut, Beirut 1977.
- *Chiliasmatische Erwartungen und die Versagung der Göttlichkeit: Der Kalif al-Hākīm (386-411 H.)*. Winter, Heidelberg 1977.
- *Der Taylasān des Ibn Ḥarb: „Mantelgedichte“ in arabischer Sprache*. Winter, Heidelberg 1979.
- *Ungenutzte Texte zur Karramiya: Eine Materialsammlung*. Winter, Heidelberg 1980.
- *Der Wesir und seine Gelehrten: Zu Inhalt und Entstehungsgeschichte der theologischen Schriften des Raṣīduddīn Faḫrullāh (gest. 718/1318)*. Steiner, Wiesbaden 1981.
- *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra: Eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam*. 6 Bände. De Gruyter, Berlin 1991–1997.

Band 1: 1991	Band 2: 1992
Band 3: 1992	Band 4: 1997 (mit Register zu Bänden 1-4)
Band 5: 1993 (Texte I-XXI)	Band 6: 1995 (Texte XXII-XXXV)
- *Die Fehltritte der Gelehrten: Die „Pest von Emmaus“ und ihre theologischen Nachspiele*. Winter, Heidelberg 2001.
- *Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen häresiographischen Texten*. 2 Bände. De Gruyter, Berlin / New York 2011.

در میان آثار فان‌اس، کتاب حاضر، یعنی «کلام و جامعه در سدهٔ دوم و سوم هجری؛ تاریخ اندیشهٔ دینی در آغاز اسلام» در شش جلد که در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ منتشر شد، موجب شهرت جهانی این پژوهشگر و نویسنده شد.

ج) درباره برگردان فارسی

ترجمه کنونی که جلد نخست آن اینک در اختیار خوانندگان فاضل و ارجمند قرار می‌گیرد، طی مراحل صورت گرفته است که آشنایی با آن، می‌تواند برای آنان خالی از فایده نباشد. با توجه به اهمیت و تخصصی بودن متن کتاب «کلام و جامعه» و قلم سنگین مؤلف و نیز انبوه اصطلاحاتی که او در حوزه‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف در نگارش این متن به کار گرفته و نیز حجم بالای مجموعه این اثر، برگردان فارسی آن طی چند مرحله صورت گرفته است:

۱. برگردان اصل متن از زبان آلمانی به فارسی. در این مرحله، هریک از چهار جلد نخست از جانب مترجمان ذیل به فارسی برگردانده شد:

- در برگردان جلد اول از همکاری آقایان دکتر فرزین بانکی و دکتر احمدعلی حیدری برخوردار بودیم.

- جلد دوم کتاب را سرکار خانم حسینی بهشتی و نیز خود اینجانب به فارسی برگردانده‌ایم.

- برگردان جلد سوم کتاب، حاصل همکاری سرکار خانم دکتر فرانک هاشمی است.

- متن جلد چهارم کتاب از جانب آقای دکتر مهدی سردانی طارمی به فارسی برگردانده شده است.

۲. در پی آماده شدن هر بخش از برگردان مجلدات فوق، حضور مترجمان و ویراستار علمی، مقابله سطر به سطر عبارات متن آلمانی و برگردان فارسی صورت گرفت و طی آن، برگردان فارسی، تدقیق و در موارد لازم، تصحیح شد. لازم به ذکر است که در پاره‌ای از اوقات، یافتن معادل‌های مناسب، اقتضای تلاشی تحقیقی داشت که با به‌یاری از منابع معتبر به نتیجه رسید.

۳. در مرحله سوم، ضمن مقابله نهایی کامل متن به منظور تدقیق نقل قول‌ها، به منابع مورد استناد مؤلف رجوع شد و برگردان فارسی با نظر به متن اصلی ویراسته شد.

در این مرحله دشوار، کوشش بر این بود که تا حد امکان در برگردان فارسی، واژه‌ها به تخصصی و سیاق مؤلفان کتاب‌های مأخذ - که عمدتاً در سده‌های آغازین اسلام می‌زیسته‌اند - حفظ و نیز در کل متن، اصطلاحات و تعابیر یکنواختی به کار گرفته شود.

۴. با توجه به دقت و کثرت ارجاعات مؤلف، تمامی این ارجاعات بازبینی شد که این مهم با همکاری ویراستار علمی و سرکار خانم زینب فرخنده‌زاده صورت گرفت.

۵. جلد‌های پنجم و ششم این اثر، شامل برگردان آلمانی آن‌دسته از متن‌هایی است که مؤلف در متن به تحلیل آنها پرداخته است. در دستیابی به غالب متن‌های اصلی عمدتاً به زبان عربی بودند و گردآوری آنها، از همکاری آقای سیدمحمد موسوی احمدی برخوردار شدیم. مؤلف در برگردان آلمانی این متن‌ها به‌منظور استناد دقیق‌تر، عبارت‌های اصلی را با حروف الفبا از یکدیگر متمایز ساخته و به آنها ارجاع داده است. با همین دلیل، ضمن مطابقت متن آلمانی با اصل متن عربی، همین کار در خصوص این متن‌ها نیز صورت گرفته است. به‌علاوه، توضیحات و پانوشته‌های مؤلف بر این متن‌ها از جانب ویراستار علمی و با همکاری سرکار خانم زینب فرخنده‌زاده بر آنها افزوده شده است.

د) ضمائم کتاب

جلد چهارم مجموعه «کلام و جامعه» شامل دو بخش است. بخش آخر کتاب که دربردارندهٔ ۳۷۰ صفحه است، شامل ضمائم مفصلی برای خوانندهٔ این اثر است. نخست، ملحقات و اصلاحاتی که مؤلف پس از اتمام نگارش متن، ضروری دیده است که بر کتاب بیفزاید و همان‌گونه که خود اشاره می‌دارد، در پاره‌ای موارد، خاصه تذکراتی است که افرادی چون جین بل، مادلونگ و شاگرد مؤلف، عمر حمدانی پس از قرائت متن به‌عنوان پیشنهاد اصلاح به او ارائه کرده‌اند و در پاره‌ای موارد، تصحیح‌ها و تکمیل‌هایی است که خود مؤلف افزودن آنها را لازم دانسته است. در برگردان فارسی، این ملحقات و اصلاحات در جلد و صفحهٔ مورد نظر اعمال شده است. در مواردی که مؤلف سطری یا پانوشته‌هایی را برای آوردن تکمیل‌ها مد نظر نداشته، به‌حسب محتوا در ویرایش، این ملحقات و اصلاحات به پانوشته مناسب افزوده شده و یا با نشانه «*» برای آن پانوشته جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است.

جزء دوم ضمائم، فهرست مفصلی است که مؤلف از مآخذی که بیش از یک‌بار در متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند، آورده و شامل ۴۱۵۲ مأخذ است. مآخذشناسی تفصیلی او، نشان‌دهندهٔ گستردگی منابعی است که از جانب مؤلف در این مجموعه مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند و موجب می‌شود که پژوهشگران بتوانند تحقیقات خود را با تکیه بر آنها ادامه دهند.

جزء سوم به فهرس اختصاص یافته است و دربردارنده فهرست‌های زیر است:

۱. آیات نقل شده از قرآن کریم با ذکر جلد و صفحاتی که این آیات در آنها آمده‌اند.

۲. فهرستی از عباراتی که مؤلف از برخی منابع مهم در متن کتاب آورده، همچون کتاب الحيوان جاحظ، انتصار خياط، مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين اشعري، أصول النحل منسوب به ناشئ، أوسط ناشئ، بدء و التاريخ مقدسي، مغني في أبواب التوحيد و العدل قاضي عبد الجبار، تذكرة في أحكام الجواهر و الأعراض ابن متويه، توحيد ماثریدی، فصل الملل و الملل هواء و النحل ابن حزم، فرق بين الفرق بغدادی، أصول السدين بغدادی و ملل نحل شهرستانی، با ذکر جلد و صفحات آمده است.

۳. فهرستی از متون برگردانده شده در مجلدات پنجم و ششم که در متن جلد‌های اول تا چهارم آمده‌اند با ذکر جلد و صفحات.

۴. فهرست نام کاتبان و روایتی که در داخل متن از آنها یاد شده و یا توصیفی از آنها به عمل آمده است.

۵. فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در متن آمده‌اند، شامل:
الف) واژه‌ها و اصطلاحات به زبان فارسی و ریشه این واژه‌ها،
ب) واژه‌های یونانی به ترتیب الفبای یونانی ذکر صفحات.

۶. فهرست نام‌ها، مکان‌ها، موضوعات و مفاهیم

ه) آوانگاری و شیوه ارجاع

همان گونه که می‌دانیم، در طی یک سده و نیم اخیر، در حوزه مطالعات اسلامی به منظور برگردان درست نام‌ها و عبارات عربی و فارسی به زبان‌های اروپایی، سه روش مختلفی برای آوانگاری ابداع شد که به تدریج کاستی‌های هریک از این شیوه‌ها برطرف گردید. شیوه آوانگاری مؤلف در این مجموعه نسبت به آثار پیشین (ظیر بروکلمان، سزگین و ویراست اول و دوم دایرة المعارف اسلام چاپ لیدن) از دقت بیشتر و کاهش کمتری برخوردار است و امکان آن را می‌دهد که عبارت عربی و فارسی بدون غلط آوانویسی شود. اگر در پاره‌ای از موارد، نام‌ها یا کلمات به ویژه، در اعراب با تلفظ یا قرائت مرسوم تفاوت‌هایی دارد، این تفاوت‌ها از جانب خود مؤلف بوده و حاصل تحقیقات خود اوست. طبیعی است که این اعراب گذاری متفاوت، موجب تغییراتی در معنای عبارات می‌شود که نشان‌دهنده دریافت متفاوت مؤلف از متن مآخذ است.

مؤلف کتاب شیوه ارجاع بسیار دقیقی را برگزیده که شایسته توجه است و می تواند الگو برای کارهای پژوهشی قرار گیرد. او در نقل قول هایی که از متون مورد استشهد خود دارد، گذشته از ارجاع به صفحات مأخذ، سطر مورد نظر را نیز ذکر می کند.

- در صورتی که مطلب مورد استشهد در صفحه یا صفحات و سطر یا سطرهای بعد دنبال شود، آن را با f. و ff. مشخص می سازد که ما معادل «ص» و «صص» برای صفحات و «س» و «سس» را برای سطرها برگزیدیم. در پاره ای از موارد، مؤلف شمارش سطرها را از پایین صفحه دارد. بدین منظور، رمز اختصاری ult. را برای سطر آخر، pu. را برای سطر مابین آخر و pu. را برای سطر سوم از پایین برگزیده است. در مواردی نیز با آوردن علامت «-» و شمارش سطرها از پایین صفحات، سطر مورد نظر را مشخص می سازد. به عنوان مثال، «۷-» برای سطر هفتم از پایین است.

- در صورتی که مأخذ مورد استشهد، مطلب را با شماره (مثلاً شماره احادیث) آورده باشد، مؤلف با رمز اختصاری nr. آن را نقل می کند که در برگردان فارسی، معادل «ش» و یا «شش» برای آن آمده است.

- در صورتی که مأخذ مورد استشهد مؤلف نسخه خطی باشد، گذشته از شماره برگه، رو یا پشت برگه را با رمز اختصاری a یا b نشان می دهد.

- اگر مطلب مورد استشهد در چند منبع ذکر شده باشد، مؤلف با ذکر آنها و آوردن رمز اختصاری «=» به همان ترتیب بالا، نشانی مأخذ را مشخص می کند.

- مؤلف برای نشان دادن اینکه مأخذ مورد ارجاع از مطلب را از منبع دیگری نقل کرده، رمز اختصاری «>» را به کار برده است. به عکس در صورتی که این مطلب از جانب مأخذ دیگری براساس مأخذ مورد ارجاع نقل شده، رمز «<» به کار رفته است.

این مجموعه به چهاربخش تقسیم شده که دارای عناوین اصلی و عناوین فرعی است و مؤلف، آنها را با شماره های ترتیبی مشخص نموده است. همان گونه که خود مؤلف در پیش گفتار اشاره کرده، از آنجا که این شیوه شماره گذاری که گاه تا ۱۰ رقم نیز می رسد، تکلف آمیز شده، ممکن است کارآمدی لازم برای یافتن عنوان را از دست داده باشد. در هر حال، ما در برگردان فارسی از همان شماره های ترتیبی استفاده کرده ایم.

با توجه به اینکه مؤلف در نگارش متن، از برخی مأخذ به دفعات فراوان استفاده کرده، به این مأخذ با نشانه های اختصاری ارجاع می دهد که ذیلاً به ذکر آنها می پردازیم.

و) حروف چینی و صفحه‌بندی

مجموعه «کلام و جامعه»، گذشته از گستره تبع و غنای مطلب، از حروف چینی و صفحه‌بندی فنی و دقیقی برخوردار است. کوشش ما در برگردان فارسی این متن، بر آن بوده تا ظرافتی را که در حروف چینی و صفحه‌بندی متن اصلی مراعات شده، تا حد امکان در این برگردان نیز مدنظر قرار دهیم. کار ظریف حروف چینی، صفحه‌بندی و نیز نمونه‌خوانی این برگردان را سرکار خانم زینب فرخنده‌زاده برعهده داشته‌اند که بدین وسیله از زحمات طولانی و بی‌درپی ایشان سپاسگزاری می‌نمایم.

با توجه به محدودیت موارد ارجاع مؤلف به صفحات مجلدات مختلف این مجموعه، شماره صفحات متن آلمانی کتاب در حاشیه برگردان فارسی آمده‌اند تا از سردرگمی ناشی از جابه‌جایی متن در حروف چینی فارسی پیشگیری شود. بنابراین، هر جا در متن یا پانوشته‌ها، (پیش‌تر) یا (پس‌از آن) آمده است، مقصود این شماره‌های حاشیه متن است و نه صفحات برگردان فارسی آن.

ز) سخن پایانی

برگردان فارسی کتاب «کلام و جامعه» به عنوان یک پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب قم و با پشتیبانی این دانشگاه، به‌همت مترجمان ارجمند و نیز با تلاش گسترده‌ای که در خصوص ویرایش علمی و ادبی این کتاب صورت گرفته است، اینک به مرحله انتشار رسیده که جلد اول آن به حضور خوانندگان فاضل تقدیم می‌گردد و مجلدات بعد، با فواصل طی ماه‌های آینده منتشر خواهد شد. طبیعتاً است که به‌رغم دقت‌هایی که در این کار صورت گرفته، ممکن است کاستی‌هایی نیز بدین راه یافته باشد که بدین وسیله از خوانندگان درخواست می‌نمایم تا با ارزشیابی‌ها، نقدها و پیشنهادها خود، ما را در جهت بهبود کار یاری فرمایند. لازم به یادآوری است که بدون اهتمام و پشتیبانی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، این اقدام سترگ میسر نمی‌شد که بدین وسیله از همراهی مدیریت محترم و مسئولان این دانشگاه در طول این مدت، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

قابل ذکر است که این اثر پژوهشی نیز همانند آثار دیگر از این دست، در مواردی به جمع‌بندی‌هایی می‌رسد که ممکن است مورد پرسش یا نقد علمی قرار گیرد؛ به‌ویژه، در خصوص ارزیابی‌هایی که فائزاس از باورهای دینی نحله‌های مختلف عالم اسلامی دارد. از این جهت، برگردان اثر او با همه امتیازاتی که دارد، به‌معنای موافقت مترجمان، ویراستار علمی و ناشر با همه این جمع‌بندی‌ها و آراء مؤلف نیست. منظور از انتشار این اثر،

این بوده است که منبعی قابل اعتنا در این حوزه در اختیار پژوهشگران فارسی‌زبان و اهل فن قرار گیرد. به امید آنکه این اقدام، برانگیزندهٔ آنان برای پژوهش‌های ژرف‌تر و تخصصی‌تری گردد و امکان بهره‌وری بیشتر از میراث علمی فرهنگ اسلامی را فراهم آورد.

سیدمحمدرضا بهشتی

تهران، اردیبهشت ۱۳۹۷

مقدمه مؤلف و ترجمه

میان تاریخ‌ساز متن آلمانی کتاب من و این برگردان فارسی، دودهمه‌ونیم فاصله افتاده است. این فاصله در بخش در شرایط روزگار ما، فاصله‌ای دراز به‌شمار می‌رود؛ چه آنکه بسیاری از آثار که در این روزها در محافل علمی تولید می‌شوند، با گذشت چنین فاصله‌ای، دیگر کهنه شده‌اند. اسرق‌شناسی حال‌وهوای دیگری دارد و در واقع، یک استثناست؛ آن‌هم به‌ویژه، اگر سروکارش با علم کلام اسلامی در دوران پیشین باشد، چرا که دیگر در اروپا و امریکا به‌سبب قدرت دانشمندان جوانی یافت می‌شوند که به این موضوع بپردازند. حتی در جوامع دانشگاهی، گرایش بیشتری در گرو این موضوعات نیست و همه نگاه‌ها (مثلاً) در آلمان، تنها به «بنیادگرایان» حیره شده است.

به گمان من، شاید در ایران وضع به گونه‌ای دیگر باشد. اسلام در سده‌های آغازین، وضعی بسیار بدیع و خلاق داشته است. برخی مشرب‌ها و نخله‌ها را آزموده است که در گذشت روزگار به‌باد فراموشی سپرده شده‌اند و شاید بی‌بیده نباشد که امروز بار دیگر با آن مشرب‌ها رویارو شویم. البته لازم نیست که این کار حتماً همان روشی باشد که من کرده‌ام. تشریح یا تبیین یک موضوع، حق انحصاری هیچ اروپایی نیست، اگر چنین کاری در هر صورت انجام شود، مایه خرسندی من خواهد بود. به همین دلیل، ان‌درجه‌مان این اثر، صادقانه سپاسگزارم. از سرگیری دوباره گفتگوی میان فرهنگ‌ها که امروزه بسیار جای آن خالی است، مرهون تلاش آنهاست.

پیش‌گام

متکلمان افکار عجیبی در سر می‌پروراندند و همین مایه جذاب‌بودن کار آنها تا به امروز است. متحلمان اسلام می‌نزد از این قاعده مستثنی نیستند، اما دورانی که می‌خواهم بدان پردازم، در بردارندهٔ و مزیت علاوه برای آنها بود: آنها در حال و هوای سرآغاز بودند و جامعه‌ای که آنها در آن می‌زیستند، در تفسیرش از نحوهٔ وجود خود تا حدود زیادی مقولات کلامی را به کار می‌گرفت. موهبت زاده‌شدن در سرآغازها، آنها را مستعد بهره‌مندبودن از تعدد و تنوع تفسیرها و فارغ‌بودن از التزام به اصول می‌ساخت. این وضعیتی بود که بعدها دیگر هیچ‌گاه مانند دست‌یافتنی. آمادگی جامعه برای گوش سپردن به متکلمان، آنها را نه تنها در کانون شکل‌دهی به زندگی روزمره قرار می‌داد، بلکه آنها محور سیاست کلان نیز بودند. از این رو، ما دربارهٔ خلفا و زیدیان سخن خواهیم گفت؛ همچنانکه دربارهٔ اجرت کرایه یا مباحث جنسی مقصود ما از «کلام» در گسترده‌ترین معنایش، سخن گفتنی دربارهٔ واقعیت است که صبغه‌ای دینی دارد و سبب وسوسه‌خویش را از شرعی می‌گرفت که هنوز جوان بوده و زمان زیادی از نزول است سپری نگشته بود.

البته در یک روشن دو طرف این رابطه، برای ما کار دشواری است. جامعه کلام، هردو در شرف یافتن هویت خویش بودند. تاریخ تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر در حال، توصیفی از پیدایش «عقیده صحیح دینی» است، زیرا تنها یک بنیاد گرامر ممکن است تحت تأثیر فریب تصویری قرار گیرد که منابع مورد استناد ما از منظری متأخرتر برای ما است. آن ایام ترسیم می‌کنند، یعنی اینکه اسلام همواره همان بوده که بعدها شده است. تلقی بعدی از وجود خویش، حاصل گزینش میان الگوها و انگیزه‌های متعددی بود که زمینه در وحی و سنت داشتند، اما این جریان آزمون و خطا که هر دینی از آن می‌گذرد، در اسلام از این حیث به شیوه‌ای به غایت پیچیده صورت می‌گیرد که پیروان این دین به دلیل فتوحات در مناطق گسترده‌ای از عالم کهن پراکنده شدند و در آنجا به عنوان قشر حاکم بر محمل اقوامی کهن نشستند. بدین ترتیب، تحولات خاص منطقه‌ای پدید آمد که به مرور زمان با

پیدایش آگاهی همه‌شمولی در میان مسلمانان، جرح و تعدیل شد. از این‌رو، نیازمند آنیم که بیش از پیش، این جریان را با توجه به هریک از مناطق و شهرها جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

توصیفی که پیش‌رو دارید، به مقتضای چنین نیازی صورت گرفته است. در بخش نخست، می‌کوشیم وضعیت دینی را در هریک از مناطق و حوزه‌های فرهنگی بازسازی کنیم. سپس، در بخش ب، دایره دیدمان را به یک کانون، یعنی به دربار خلفا در بغداد محدود خواهیم کرد. در نگاهی کلی به آنچه در ولایات می‌گذرد، با پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تاکنون غالباً به تبع نحوه‌نگرش منابع اسلامی تحت عنوان *فِرَق* نام‌گذاری می‌شدند؛ در حالی که در آن ایام، در منطقه خود غالباً همان «عقیده صحیح دینی» به‌شمار می‌آمدند. با جذب و ترغیب نیروهای فکری، از کانون‌های پیشین به پایتخت نوین و تلاقی آنها با یکدیگر در بغداد، با معتدلات چیزی به نام علم کلام پدید آمد و مدعی اعتباری عام شد. ما این جریان را در طی نزدیک به یک سده و نیم، یعنی از پایان دوران خلافت اموی تا نیمه دوم سده سوم هجری بررسی خواهیم کرد. هرچند در برخی از فصل‌های بخش الف، به رخدادهای سده نخست نیز رجوع خواهیم کرد، اما به این رخدادهای در نگاهی کلی، صرفاً به اختصار و در پیوند با مباحث آغازین خواهیم پرداخت. در فصول پایانی بخش ب، به برخی از اندیشمندان می‌پردازیم که درج کارشان در دهه‌های آخر سده سوم بوده، اما بنای ما بر این است که توصیفمان از رخدادهای را به زمانی ختم کنیم که معتزله هنوز با چهره‌هایی همچون جبائی در میان بصریان و حیات و کعبه در میان بغدادیان، به نخستین مرحله مدرسی خود گام نهاده بود.

انحصار این تحقیق به این محدوده از زمان، هرچند در نگاه نخست ناهمگام به نظر می‌رسد، اما با توجه به وضعیت منابع منقول و سطح کنونی تحقیق موجود است. تمامی اخباری که از منابع اسلامی درباره سده نخست می‌شنویم، در مظان اندک است. برای طرز نگرش‌های بعدی باشند. تحقیقات صورت گرفته در مغرب‌زمین در خصوص آنچه از منابع برمی‌آید و نیز روش‌های تفسیر این منابع، بیش از پیش دچار اختلاف‌نا را دریافت روشن‌تر آنچه بعدها رخ داده است، چه‌بسا بتوانیم داوریمان را درباره آغازهای نخستین، برپایه محکم‌تری استوار سازیم. اثر حاضر، در پی آن است تا مقدمات وصول به این هدف اخیر را فراهم آورد؛ بی‌آنکه خود بتواند این هدف را برآورده سازد. هیچ‌کس به‌اندازه نگارنده بر این واقف نیست که آنچه با انتشار تحقیقات پیشینش (یعنی کتاب‌های *Anfänge muslimischer Theologie*, و *Zwischen Hadīth und Theologie*, Berlin 1975 و Beirut 1977)، مبنای کارهای بعدی قرار گرفت، تاچه‌اندازه نیازمند واریسی دقیق‌تری

است. در مقام مقایسه، چه‌بسا خود افق مسأله، توجیهی برای به‌پایان‌بردن این توصیف در زمان مورد اشاره باشد، اما بهره‌ما از منابع نیز در این کار دخیل بوده است، زیرا با ظهور جَبائِی و کعبی، مطالب به‌اندازه‌ای فزونی می‌یابد و حاوی چنان نکات باریکی می‌شود که به‌دلیل فقدان مقدمات لازم، جمع‌بندی مطالب تا زمان ما هنوز اقدامی مسئولانه و قابل دفاع نیست. بازسازی نظام‌های کلامی، کاملاً تابع تعیین درست ثقل مطالب است. باید محل نزاع را به‌درستی دریافت، اما در صورتی که اندیشهٔ مدرسی بیش از پیش در جزئیات سرگردان شود و یا تنها این جزئیات در منابع بعد برای ما قابل دسترس باشند، چنین کاری به‌نحو صرفاً یهودی به‌شواری ممکن است.

البته همین مسأله، امی‌توان در مورد دورانی که بدان پرداخته‌ایم نیز مطرح کرد. متون اصلی در این دوران، تقریباً به همان کمیابی سدهٔ نخست است. اخبار نحلّه‌نگارانی که در اکثر موارد باید به آثار اَتکا کیم، نامسجم و از هم گسیخته‌اند و تنها به گزینش نکات معینی می‌پردازند، اما کسی روبرو با نحلّه‌نگاران، این امید را در ما برمی‌انگیزد که این نکات به‌رغم تمامی تحریف‌هایی که می‌توان برگز آنها را ناممکن شمرد، از جانب آنان، نکاتی بارز تلقی می‌شده‌اند و صاحبان نشان‌دهند تفاوت نظرهای عمدهٔ اندیشمند مورد بحث‌اند، یعنی درعین‌حال، فراهم آوردن نسخه‌ای به «نظام» اندیشهٔ اویند. معضل، بیشتر در این است که آیا می‌توان این نکات را به‌پایان ترکیب کرد که به‌رغم تمامی خلاها، تصویر جامع قابل قبولی از این نظام حاصل شود یا نه. غالباً خرد ما به‌دشواری درمی‌یابیم که در این بازی جورچین، تاجه‌اندازه فرضیه‌های پنهان را با کدامی پریم. با افزوده‌شدن شاهد جدید است که ما از نقش ذهنیت خودمان در این ساجرا آگاه می‌شویم. هرقدر منابع کمتری داشته باشیم، چرخهٔ هرمنوتیک زودتر از حرکت باز می‌ماند.

در این حال، اطمینان بیشتر را تنها بدین ترتیب می‌توان به‌دست آورد که معنای متن نقل‌شده را تا آنجا که مقدور است، کامل‌تر دریابیم، اما دوصد گفته چون نیمه‌کاره ریست. متون تخصصی تاکنون نه گردآوری و نه محتوای آنها به‌لحاظ زبانی تحلیل شده‌اند. از این‌رو، این روا بود که ابتدا آنها را گردآوریم و ترجمهٔ آنها را همراه با شرح مختصری به‌طور مستقل عرضه کنیم. بدین ترتیب، مجموعهٔ پانوشت‌های متتمان تا حدود زیادی از با مسائل صرفاً زبانی فارغ می‌شد. علاوه‌براین، خوانندهٔ غیر متخصص نیز بدین ترتیب این امکان را می‌یابد که تصویری از وضع روایات به‌دست آورد و نگاه کلی لازم در متن را نقّادانه واریسی کند. البته درعین‌حال، انتظار داریم که خوانندهٔ کتاب در هنگام خواندن متن، متونی را که بدان مربوطند نیز مقایسه و تا حد امکان، قبلاً آنها را مرور کرده باشد. نقل این متون، به تفصیل در متن ممکن نبود؛ وگرنه ناچار می‌بودیم مدام آنها را تکرار کنیم.

همچنین، ممکن نبود این پرسش را که چرا این متون بدین گونه ترکیب شده‌اند و نه به گونه‌ای دیگر، در همه‌جا مطرح کنیم و پاسخ دهیم. اساساً کوشش ما بر این بوده است که خلأهای عبارت منقول را هرچه کمتر با گمانه‌زنی پر کنیم و حق هر منبعی را تا آنجا که ممکن است، ادا نماییم. اتخاذ چنین روندی، ممکن است بدانجا منجر شود که برخی از قطعات، اندکی ناهمخوان به نظر آیند یا با جستجو و کشف تعارض‌ها و تناقض‌ها، بیشتر این سنبطاپ پدید آید که هماهنگ‌سازی خاصی صورت گرفته است، اما در اینجا نیز خواننده را بدان ارجاء دهیم که با تکیه بر متون، خودش تصویری از مطالب را برای خویش بسازد. این ملاحظاتی که اخیر به‌خصوص به بخش ب مربوط می‌شود. در آنجا به‌طور گسترده، تمام‌های کلامی بازسازی می‌شود. سروکار بخش نخست، بیشتر به‌طور ضمنی با کلام است تا به‌طور صریح. از روی منابعی که در این بخش به کار می‌روند، یعنی تراجم، احادیث و تفاسیر، غالباً می‌توان موضع دینی یا کلامی عالمی را به گونه‌ای کلی استنباط کرد. ماحصل می‌آیند، نسلی می‌ساختاری است که نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری چهرهٔ این اثر داشته است. بخش‌بندی براساس موضوع نبوده، بلکه براساس تراجم اعلام صورت گرفته است. این فن پژوهشی در مقایسه با روش‌های دیگر که اخیراً در اسلام‌شناسی نیز مورد آزمون قرار گرفته است، متعارف و کم‌معونه‌تر است، اما این امتیاز را دارد که با اصل منابع عربی سازگار است. از این‌رو، بیش از همه، مجال آن را می‌دهد که بتوانیم در این مرحلهٔ نخستینی که هنوز در آن به سر نمی‌بریم، بر انبوه مواد خام و نامنظم فائق آییم. در بخش نخست کتاب، از طریق استخراج «شرح حال جمعی» (که گاهی روش مبتنی بر تراجم اعلام را چنین می‌خوانند)، این را درسی یابیم که جنبش‌های دینی صدر اسلام، یعنی هریک از «فرق» در مناطق مختلف چه اهمیتی داشته‌اند. در مقابل، در بخش ب که برای آن به‌مراتب، منابع نظام‌مند بیشتری در اختیار داشته‌ایم که به‌ایم برپایهٔ اسلوب «شرح حال و آثار»، چهرهٔ هریک از شخصیت‌ها را بازسازی کنیم.

البته همان‌طور که می‌دانیم، این روش کاستی‌های خاص خود را دارد. حاصل آن، تاریخ غُلماست که از آن به‌دشواری می‌توان دین عامهٔ مردم را دریافت. کتب تراجمی که مبنای این پژوهش‌اند، تصویری ایستا به‌دست ما می‌دهند. این کتب به‌شدت دست به‌تعمیم می‌زنند و امکان‌اندکی برای درک تحولات در اختیار ما می‌گذارند. روابط میان موضوعات با عبور از نامی به نام دیگر گسسته می‌شوند. در هر مورد، روشن نیست که اشخاص مورد نظر به کدام منطقهٔ جغرافیایی تعلق دارند. نسبت نام افراد که اغلب تنها قرینهٔ ما برای این کار به‌شمار می‌آید، همان گونه که می‌دانیم، بسیار مبهم است، اما به‌ویژه، ممکن است ما را ملامت کنند که با این همه قدری، مرجئی و امثال آن که ما در پیروی از منابع

معرفی کرده‌ایم، از چهره‌های «عادی» که چه‌بسا اکثریت را هم تشکیل می‌داده‌اند، غفلت کرده‌ایم. این ایرادها را نمی‌توان به کل ناروا دانست. ما تنها می‌توانیم اطمینان بدهیم که کوشیده‌ایم آنها را تا حد امکان مدّ نظر داشته باشیم. جمع‌بندی کوتاهی که در پایان بخش توصیفی بر مبنای وجهه‌نظر موضوعی تدوین شده است، این مجال را می‌دهد تا برخی از آنچه را که به واسطهٔ تحمیل روش در حاشیه قرار گرفته است، بار دیگر در معرض دید قرار بدهیم. با این حال، به جاست خواننده در نظر داشته باشد که هدف ما، نوشتن تاریخ اندیشه‌ای عمومی دربارهٔ مناطق و مقطع زمانی مورد بحث نبوده است. سخن بر سر رابطهٔ کلام و جامعه است، نه کمتر و نه بیشتر.

باید از خود پرسیم که آیا حتی چنین انتظاری در خصوص یک‌سده و نیمه‌ای که برگزیده‌ایم، زیاد حد نیست؟ بخش توصیفی این نوشته بدان گونه که اکنون پیش‌رو داریم، چهار جلد خواهد شد. جلد دیگر که حاوی ترجمهٔ متون است، بر آن افزوده خواهد شد. این شیوه کار، یکی از نوعی سبک‌سری است و قطعاً مطابق روال زمانهٔ ما نیست. کسانی که در افق ابدی می‌اندیشند، متذکر خواهند شد که آیا بهتر نبود به گردآوری متون بسنده می‌شد تا کمتر مفید به شیوه‌ای اندک مکانیکی که امروزه در طرح‌ها رایج شده، عملی هم می‌بود. واقع مطلب، آن است که این سطر که پا را از گلیم خود درازتر کرده باشیم، زیاد است. کسی که حریم خط‌کشی متخصّصان را می‌شکند، چوب آن را هم خواهد خورد. جای خوشبختی است که در حوزهٔ کلام صدر اسلام، این خط‌کشی‌ها هنوز ترسیم نشده است. در بعضی از جاها هنوز با تعیین حدود کرد. بنابراین، هرچند در بیان بسیاری از مطالب، چاره‌ای جز کاربرد محتاطانهٔ وجهه‌نظر نمی‌داشتیم، اما همین احتیاط مجال آن را می‌دهد که اندکی به خود اجازهٔ کُروفِری بدهیم.

به همین دلیل، آنچه پیش‌رو داریم، یک «تألیف» نیست. نگرش کلی به موضوع در آغاز این مجموعه آمده است و نه در پایان آن. این تصویر کلی در موازات روندی، ترکیبی از تحقیقات پیشین نیست، بلکه طرحی است برای کمک به جهت‌دهی به تکمیل‌های آینده. شاید در آینده کسی هزینهٔ هنگفتی صرف کند تا با همراهی جماعتی از دستیاران کاردان، با کاری دسته‌جمعی به سراغ این موضوع برود. نگارنده قصد آن ندارد که با این تک‌روی، عیش آنها را منقض‌سازد، اما از دیدگاه او، نباید غفلت کرد که تقسیم‌کاری در این دست، نیازمند دراختیارداشتن یک تصویر کلی است، اما این تصویر، دقیقاً همان چیزی است که ما تاکنون برای کلام اسلامی در دوران مورد بحث در اختیار نداشته‌ایم. سرخ ما برای کار، تاکنون بی‌آنکه همواره بدان آگاه بوده باشیم، اسلوب تقسیم‌نحله‌نگاران اسلامی بوده است. اگر کسی بخواهد این اسلوب را درهم بریزد، باید ابتدا منابع را به دقت بشناسد.

در این حال، محدود ساختن خود به گوشه‌ای از کار، دردی را دوا نمی‌کند. در این صورت نیز تا آنجا که به تصویر کلی کار مربوط می‌شود، همچنان محافظه کارانه عمل کرده‌ایم و باز هم بی آنکه آگاه باشیم، شناخت‌های جزئی خود را همچنان براساس آن تصویر کلی جهت داده‌ایم. هرگز نمی‌توان تألیف را صرفاً برپایه مطالعات جزئی استوار کرد. کل هر اهره بیش از حاصل جمع اجزاء خویش است. طرح کلی در هر زمان و در هر مرحله‌ای، کارکردی دوگانه دارد؛ از یک سو، خط‌مشی ارائه می‌دهد و از سوی دیگر، به انتقاد فرامی‌خواند.

تعیین جایگاه متن کنونی موجب می‌گردد که اگر در مواردی جزئی خطاهای بسیاری را بیابیم، بتوانیم با آن کنار بیاییم. وجود چنین خطاهایی در اثری با این ابعاد، اجتناب‌ناپذیر است. اگر هر ادیبی به اثر بسته‌ایم، این است که با آن زمانه‌ای که در آن، صرفاً عده معدودی با منابع اسلام‌گرا بودند و گفتمان علمی، گاهی محدود به این می‌شد که با یافته‌هایی تصادفی علی‌هم‌الاستدلال می‌کنند، سپری شده است. بسیار مایه تأسف خواهد بود اگر به جای آن، دوره‌ای آغاز شود که در آن، نظریه‌پردازان چابک تنها از برگردان‌هایی که در این اثر آمده است، بهره جویند. غرض ما این بوده است که راه را بر اهل شعار هموار سازیم. در مقابل، گسترده‌تر شدن دایره منابع و روش‌ها در این حوزه خواسته مطلوبی است.

هیچ کس از شنیدن این واقعیت نباید تعجب کند که هریک از فصول این کتاب به‌ویژه، فصل‌های بخش نخست در اصل، جداگانه نوشته شده‌اند و تا ریششان به ترتیبی که اینک برای آنها برگزیده‌ایم، نبوده است. در مرور دوم بود که رابطه میان این فصول برقرار شد. اسلوب تنظیم فصول به‌مدد ترتیبی از اعداد مشخص شده در جلد نخست، در برخی از فصول به‌نحو سرگیجه‌آوری طولانی شده است، اما خواننده می‌تواند این ترتیب اعداد را در آنجا به‌سادگی نادیده بگیرد. آنها بدین‌منظور آمده‌اند تا بتوان از پیش، اسامی‌هایی به مجلدات بعدی داشت. خواننده نباید فراموش کند که این اعداد، متعاقباً به متن افزوده شده‌اند. در برخی از عناوین میانی، قطعاً هنوز محسوس است که سیر بیان مطالب نباید در اصل، در اینجا قطع می‌شده است. یک اثر چندجلدی، ما را با معضلاتی روبه‌رو می‌کند که در تک‌نگاری‌ها با آنها مواجه نیستیم. تکرار یا ناهمخوانی در نحوه ارجاع، اجتناب‌ناپذیر است؛ چه‌بسا در طول زمان تناقض‌هایی نیز آشکار شود. این تناقض‌ها احتمالاً خود را به‌هنگام استفاده از فهرس و مآخذ آشکار می‌کنند، اما در هردو مورد، باید به خواننده تسلی خاطر بدهیم؛ چه آنکه این فهرس و مآخذ قرار است در پایان آخرین جلد توصیف، یعنی در جلد چهارم جای داده شود. فعلاً کنار آمدن با این موضوع، ساده نخواهد بود. من

در اینجا می‌توانم صرفاً توصیه کنم کاری را انجام دهیم که پیش از این، با یک کتاب علمی می‌کردیم: باید آن را بخوانیم.

افتخار من این است که بدون داشتن دَم‌ودستگاه یک عالم بزرگ دوران جدید، از عهده این کار برآمده‌ام. نگارنده تا مرحله تعیین‌کننده از کار، تقریباً زحمت خود را به‌دوش هیچ دستیاری نگذاشته است. تا آن‌هنگام که باید منابع را پیدا و آنها را تدوین می‌کردم، یحسره به کار خودم اعتماد کردم. بعد از تهیه دست‌نویس بود که برای مقابله و نیز تهیه پیش‌نویس مآخذ و امثال آن، کارهایی را به دیگران واگذار کردم. من گزارش کارم را در پایان این کتاب خالصم داد. عجالتاً خود را موظف می‌دانم از آنانی تشکر کنم که با رایزنی‌های خود، مرا در زمینه‌هایی یاری دادند که با آن، آشنایی کمتری داشتم. از دوست مرحومم کنراد گایسر (Konrad Geiser)، از همکارانم بلیگ (Böhlig)، گِرو (Gerö)، رکس (Rex)، روتگر (Rüger)، شرام (Schramm) و اولمان (Ullmann). و داد قاضی (Wadād al-Qādī) در شکوه هاینز گاوِبه (Heinz Gaube) در توینگن، فصل مقدمه (بخش الف) را با نگاه انتقادی خواندند. ه. یائویش (H. Jaouiche) مدتی ارجاعات منابع عربی را مقابله می‌کرد. خستینست (M. Behrstedt)، منشی گروه شرق‌شناسی، در ده سال اخیر در کنار وظایف معمول خود، با از خود گذشتگی تمام، نسخه اول این اثر و بخش‌های عمده‌ای از نسخه دوم را ماشین‌نویسی کرده است. با همکاری او، آ. هارواتسینسکی (A. Harwazinski) نسخه رایانه‌ای بخش بزرگی از نسخه دوم جلد اول و دوم این کتاب را تهیه کرده است. انجمن پژوهش آلمان و بنیاد فولکس واگن در سال‌های 1984/85 و 1987/88، هزینه‌های مربوط به دوران مرخصی من در دانشگاه را تأمین کرده‌اند. رئیس دانشگاه توینگن در سال‌های 1987 و 1988، از طریق انحصار بودجه‌ای ویژه، امکان تهیه نسخه پاک‌نویس را فراهم کرد. ه. گاوِبه و ش. گِرو با موافقتشان برای به‌عهده گرفتن متناوب مدیریت گروه، زمان ارزشمندی را در اختیار من قرار دادند. انجمن پژوهش آلمان با پرداخت مساعده‌ای، به چاپ این جلد کمک کردند. من به سبزه‌ها و پرداختن به اثر تا زمان موافقت انجمن، بار دیگر این تجربه ملموس را پیش چشم نگارنده نهاد که مشرق‌زمین چقدر حکیمانه فهمیده که عجله کار شیطان است. نگارنده در این فاصله، فرصتی داشت تا اشتباهاتی را از متن رفع کند و تکمله‌هایی را بیفزاید. او از تمامی نامبرداران در اینجا که آغازی است برای پایانی - که با توجه به شرایط موجود، باید سال‌ها در انتظار آغازی بعدی بود - از صمیم قلب سپاسگزار است.

فهرست مختصر زبان و آوانگاری

CHAL	The Cambridge History of Arabic Literature
CHI	The Cambridge History of Iran
Conc.	Wensinck: <i>Concordance et Indices de la Tradition Musulmane</i>
DSB	Dictionary of Scientific Biography
EI ¹	Enzyklopädie des Islam
EI ²	Encyclopaedia of Islam, New Edition
Elran	Encyclopaedia Iranica
EJud	Encyclopaedia Judaica
ER	Encyclopedia of Religion
GAL	Brockelmann: <i>Geschichte der arabischen Litteratur</i>
GAP	Grundriß der arabischen Philologie
GAS	Sezgin: <i>Geschichte des arabischen Schrifttums</i>
GdQ	Nöldeke: <i>Geschichte des Qorāns</i>
LexMa	Lexikon des Mittelalters
LThK	Lexikon für Theologie und Kirche
RAC	Reallexikon für Antike und Christentum
RCEA	Répertoire chronologique d'épigraphie arabe
WKAS	Wörterbuch der Klassischen Arabischen Sprache

آ	ا	د	d	ض	د	k
ب	ب	ب	b	ذ	د	t
ل	l	ت	t	ر	r	z
م	m	ث	ṭ	ز	z	ʿ
ن	n	ج	ǧ	س	s	ǧ
و	w	او (کتیده)	ū	ح	ḥ	š
ف	f	ه	h	خ	ḫ	s
ق	q	ی	y	ای (کتیده)	ī	